



ضمانت اجرای دادرسی در گستره ادله کیفری

عباس تدین ابراهیم عبدالله پور اکبر رجبی

چکیده

یکی از اوصاف هر قاعده حقوقی بهره‌مندی از ضمانت اجرای مناسب آن قاعده است. این ضمانت‌اجراها تضمین‌کننده رعایت قاعده و نشانگر جایگاه و ارزش آن خواهد بود. شناخته‌شده‌ترین ضمانت‌اجراهای قواعد حقوقی تضامین کیفری، مدنی و انتظامی یا اداری است که قانون‌گذار به فراخور هر قاعده حقوقی و ماهیت آن، از آنها بهره می‌جوید. یکی از ضمانت‌اجراهای گاه نانوشته و حتی کمتر شناخته‌شده قانون‌گذار در حوزه دادرسی‌های کیفری، ضمانت اجرای بطلان یا بی‌اعتباری ادله یا دادرسی‌های کیفری است. از یک طرف رعایت اصل مشروعیت تحصیل ادله کیفری اقتضا دارد که هم دلیل و هم شیوه تحصیل دلیل مشروع و قانونی باشد و از طرف دیگر اصل قانونی بودن دادرسی می‌طلبد که فرایند دادرسی و رسیدگی نیز تابع ضوابط و قواعد قانونی باشد. بطلان ادله یا تحقیقات به‌عنوان ضمانت اجرای دادرسی هم به‌دنبال تضمین رعایت قواعد دادرسی به‌منظور حمایت از منافع اصحاب دعوا به‌ویژه متهم است و هم به‌دنبال پیشگیری از عدم رعایت این قواعد و واداشتن مجریان عدالت کیفری به تبعیت از آنهاست. با ملاحظه قواعد کیفری در حقوق ایران به‌ندرت به موضوع بطلان به‌عنوان ضمانت اجرای دادرسی توجه شده است، اما در آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌توان مقررات چندی را در این خصوص ملاحظه کرد.

کلید واژگان:

آیین دادرسی کیفری، ادله کیفری، بطلان دلیل، بطلان تحقیقات، اصل قانونی بودن دادرسی، اصل مشروعیت تحصیل دلیل، حقوق فرانسه.

استناد به این مقاله: ...

DOI: <https://doi.org/10.29252/jlr.2022.227031.2214>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۰/۰۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۰/۰۰

.۱

.۲

ایمیل نویسنده مسئول: email

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



Original Article

Sanction of proceedings in the field of criminal evidence

Akbar rajabi Ebrahim abdollahpour Abbas tadayyon

Abstract

One of the characteristics of every legal rule is to benefit from the proper sanction of that rule. This sanctions will guarantee compliance with the rule and indicate its status and value. The most well-known sanctions of legal rules for the implementation of legal rules is criminal, civil and administrative sanctions, which the legislator takes advantage of according to each legal rule and its nature. One of the sometimes unwritten and even less well-known sanctions of the legislator in the field of criminal proceedings is the sanction of nullity or invalidity of evidence of criminal proceedings. On the one hand, compliance of the principle of legality of obtaining criminal evidence requires that both the reason and the method of obtaining evidence be legitimate and legal, and on the other hand, the principle of legality of proceedings requires that the process of proceedings is subject to legal rules and regulations. Nullity of evidence or investigations as a sanction of the execution of the proceedings is aimed both at guaranteeing the observance of the rules of the proceedings in order to protect the interests of the litigants, especially the accused, and also at the prevention of non-compliance with these rules and forcing the law enforcement personnel of criminal justice to follow them. Considering the criminal rules in Iranian law, the issue of nullity has rarely been considered as a sanction of the proceedings, but in the French criminal procedure, several regulations can be considered in this regard.

Key words:

How to Cite:

DOI: <https://doi.org/10.29252/JLR.2022.227031.2214>

Received: 07/05/2022-Accepted: 28/06/2022

- 1.
- 2.
- 3.
- 4.

Corresponding Author Email: email

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

Criminal procedure, Criminal evidence, Nullity of evidence, Nullity of investigations, principle of legality of proceedings principle of legitimacy of obtaining evidence, French law.

مقدمه

تأمین و تضمین سلامت فرایند دادرسی در شکل و ماهیت در گرو رعایت مجموعه‌ای از اصول و قواعد حقوقی است که به طور مستقیم از مبانی حقوق سرچشمه گرفته‌اند. وجود این اصول و قواعد، عقلانیت و انسجام ساختار حقوقی را تضمین کرده و فقدان آن، موجب آشفتگی و بی‌نظمی حقوقی می‌شود.^۱ «دعاوی بطلان» دادرسی به علت عدم رعایت قواعد و مقررات حقوقی، دعوی‌ای است که در آنها قانون‌گذار و رویه قضایی، به دنبال برقراری تعادل و توازن میان منافع اشخاص ذی‌نفع و منافع اجتماع است. در حقیقت، باید از یک طرف، رعایت قواعد دادرسی را به منظور حمایت از منافع اصحاب دعوا تضمین نمود و در نتیجه، به آنها اجازه درخواست بطلان اعمال و اقداماتی را که در جریان آنها، قواعد و اصول دادرسی رعایت نشده‌اند، داد و از طرف دیگر، با طرح «نظریه بطلان»، از عدم رعایت این هنجارها و قواعد دادرسی پیشگیری و مجریان عدالت را به رعایت بهتر قواعد و مقرراتی که ممکن است عدول از آن، عملکرد آنها را در معرض بطلان قرار دهد، واداشت. تردیدی وجود ندارد که «قانون‌گذار نمی‌تواند از نقض قواعد و مقررات پیش‌بینی شده برای تضمین رعایت قانون و چگونگی تهیه و اثبات دلیل جلوگیری نماید ولی می‌تواند آثار آن را با منع دادرسان از پذیرش اعتبار و ارزش ادله تحصیلی از طرق غیرقانونی و نامشروع، از بین ببرد».^۲ به همین علت، قانون‌گذار این‌گونه از ادله را «غیرمفید» یا «نامعتبر» می‌خواند.^۳

هرچند در حقوق کیفری ایران به این موضوع کمتر توجه شده، ولی در ارتباط با ادله نامشروع و غیرقانونی در حقوق کشورهای مختلف از جمله فرانسه، ضمانت‌اجراهای چندی پیش‌بینی شده است. برخی از این ضمانت‌اجراها جنبه فردی دارد و علیه پلیس یا مقام قضایی خاطی اتخاذ می‌گردد و برخی دیگر، یک تدبیر کیفری ماهوی به نفع متهم و مبنی بر تخفیف مجازات است که به ندرت به مرحله اجرا درمی‌آید، ولی مهم‌ترین و مؤثرترین اقدام، یک تدبیر دادرسی است که مبتنی بر رد اتهام و سلب اعتبار از تحقیقات یا ادله است. در این چارچوب، سؤالی که مطرح می‌گردد این است که ضمانت‌اجرای دادرسی، حدود و آثار آن چیست؟ مبنای پذیرش چنین ضمانت‌اجرایی در نظام حقوقی کدام است؟ آنچه به نظر می‌رسد بی‌اعتباری دادرسی یا اجزای آن بر مبنای پذیرش اصل قانونی بودن دادرسی و اقتضات آن توجیه‌گر پذیرش این ضمانت‌اجرا و آثار آن باشد؛ چراکه عدم رعایت قواعد دادرسی، به‌ویژه در هنگام جست‌وجو و جمع‌آوری دلیل، ادله تحصیلی را در معرض بطلان و سلب اعتبار و ارزش قضایی قرار داده و همین امر می‌تواند مراحل دادرسی را نیز متأثر سازد. «بطلان، مجازات عدم رعایت شرایط اعتبار اعمال حقوقی است و عمل باطل شده، فرض می‌گردد که هرگز وجود نداشته است».^۴ هرچند در بین کشورهای مختلف در خصوص ادله تحصیل‌شده با نقض قواعد دادرسی، رویه واحدی وجود ندارد و به تبع آن در مورد حدود سلب اعتبار از

۱. تدین، عباس و زینب باقری نژاد، «هستی‌شناسی اصول بنیادین دادرسی کیفری»، فصلنامه پژوهش کیفری، دوره ۹، ۱۳۹۹، شماره ۳۳، ص ۱۸۷.

۲. Pradel, Jean, *Manuel de procédure pénale*, 22^{ème} édition, paris, cujas, 2019, p.188.

۳. ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری ایتالیا مقرر می‌دارد: «ادله تحصیلی با نقض ممنوعیت‌های قانونی، نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد» و رویه قضایی این ادله را در کلیه مراحل دادرسی غیرمفید یا به عبارتی فاقد اعتبار دانسته است.

۴. Pradel, Jean, *op.cit*, p.190.

دلیل نیز اختلاف نظر دیده می‌شود، ولی به‌طور کلی با توجه به آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌توان انواع بطلان را به چند مورد شاخص تقسیم کرد: اول و سپس برهمنین مینا، قلمرو بطلان یا حدود سلب اعتبار از دلیل؛ دوم و آیین دادرسی حاکم بر آن؛ سوم و درنهایت، مجازات اعمال باطل‌کننده دلیل چهارم را بررسی نمود.

۱. انواع بطلان

علت بطلان ادله را باید در نقض یکی از قواعد دادرسی جست‌وجو کرد و در واقع، بی‌اعتباری دلیل و صدور حکم بر بطلان آن به طبیعت قاعده‌ای که رعایت نشده است، بستگی می‌یابد. هرچند بطلان ادله یا فرایند دادرسی به‌عنوان یک قاعده عام و کلی در حقوق کیفری ما پیش‌بینی نشده است، اصل ۳۸ قانون اساسی، شهادت، اقرار و سوگندی را که تحت اجبار کسب شده باشد، فاقد ارزش و اعتبار و در حقیقت باطل دانسته و بند ۹ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، این‌گونه ادله را فاقد حجیت شرعی و قانونی خوانده است. در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی نیز جز ضمانت‌اجرای انتظامی و کیفری در پاره‌ای از موارد^۱، درمورد بطلان ادله تحصیلی از طرق نامشروع یا با نقض قواعد دادرسی مقررۀ چندی دیده نمی‌شود و گاهی به‌صورت موردی مانند «اقرار تحت اکراه و اجبار» (ماده ۱۶۹ قانون مجازات اسلامی)، «انجام تحقیقات از سوی غیرضابطان» (ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری) و «پاسخ سؤالات تلقینی یا اغفال‌کننده و سؤالات خارج از موضوع اتهام» (ماده ۶۰ همان قانون)، غیرقابل استناد در فرایند دادرسی و در نتیجه فاقد ارزش قضایی و باطل دانسته شده است. در برخی مقررات پراکنده مانند تبصره دو ماده واحده مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰/۷/۱۱ به موضوع بطلان و بی‌اعتباری احکام صادره به علت سلب حق داشتن وکیل توجه شده است.^۲ به‌هرحال، استناد به ادله‌ای که با عدول از قواعد و مقررات قانونی تحصیل شده‌اند، در صورتی که باطل اعلام نشوند و مبنای تصمیم دادرسی و انشای رأی قرار گیرند، می‌تواند به «ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه» یا «ادعای مخالف بودن رأی با قانون» مبنای تجدیدنظر خواهی قرار گیرند.

با بررسی در قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه می‌توان با توجه به ماهیت قاعده‌ای که رعایت نشده و اهمیت آن، انواع بطلان را به سه دسته تقسیم کرد:

۱.۱. بطلان‌های قانونی^۳

گاه قانون‌گذار خود موارد بطلان را در متون قانونی پیش‌بینی می‌کند. ماده ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، علت بطلان قانونی را «نقض شیوه‌های تجویز شده قانونی دارای ضمانت بطلان» دانسته است. هرچند قانون‌گذار فرانسوی از ماده ۱۷۰ تا ۱۷۴ را به موضوع «بطلان تحقیقات» اختصاص داده است، در این مواد، مصادیق بطلان منصوص را ذکر نکرده

۱. ر.ک به مواد ۳۲، ۶۲ و ۱۰۵ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۵۷۰ و بعد از آن، قانون مجازات اسلامی.

۲. هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه‌ای حق وکیل گرفتن را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی است.

3. Les nullites textuelles.

است. با کنکاش در میان مواد قانونی، به راحتی می‌توان برخی از مصادیق این نوع بطلان را شناسایی کرد: ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی کیفری، در مورد بازدیدهای خانگی و بازرسی در چارچوب جرایم مشهود به منظور تحصیل دلیل مقرر می‌دارد: «به جز مواردی که از داخل خانه اعلام می‌شود یا استثنای پیش‌بینی شده در قانون، تفتیش و بازرسی از محل اقامت اشخاص، قبل از ساعت ۶ صبح و بعد از ساعت ۲۱ شب امکان‌پذیر نیست. عدم رعایت تشریفات مذکور در ماده ۵۶، ۱-۵۶ و ۵۷ و ماده حاضر دارای ضمانت‌اجرای بطلان است». پس عدم رعایت تشریفات مذکور در این مواد، محکوم به مجازات بطلان در مفهوم ماده ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری یعنی بطلان منصوص شده است. نمونه دیگر بطلان منصوص یا قانونی را می‌توان در خصوص عدم رعایت شیوه‌های قانونی در خصوص رهگیری خطوط ارتباطی اقامتگاه و محل کار نمایندگان یا سناتورهای و کلاهی دادگستری یا دادرسان دادگاه ملاحظه نمود که براساس بند آخر ماده ۷-۱۰۰ قانون آیین دادرسی کیفری «عدم رعایت شیوه‌های پیش‌بینی شده در ماده حاضر» رسیدگی را در معرض بطلان قرار می‌دهد.^۱ همچنین عدم رعایت ضوابط و مقررات قانونی در خصوص تفتیش بدنی، توقیف‌ها، بررسی هویت منجر به بطلان قانونی تحقیقات می‌شود.^۲

۱.۲. بطلان‌های قضایی^۳

مصادیق این بطلان‌ها برخلاف دسته نخست، توسط قانون پیش‌بینی نشده است و رویه قضایی آنها را تعیین می‌کند. «عدم رعایت تشریفات اساسی»^۴، پیش‌بینی شده توسط مقررات قانون آیین دادرسی کیفری^۵ علت بطلان قضایی یا ذاتی دانسته شده است و رویه قضایی معتقد است علی‌رغم وجود بطلان‌های قانونی، اهمیت کافی برای توجیه چنین بطلان‌هایی وجود دارد.^۶ بنابراین، نقض تشریفات اساسی دادرسی و منافع اساسی اصحاب دعوا مانند حقوق دفاعی متهم و تضمینات مربوط به تحت‌نظر باعث بطلان ذاتی ادله تحصیلی می‌شود.^۷

رویه قضایی برای اولین بار براساس بند ۲ ماده ۴۰۸ قانون تحقیقات جنایی، تحت شرایط خاصی اجازه بطلان اعمال و اقدامات قضایی را «هر چند که مجازات بطلان از نظر متون قانونی به فقدان تشریفات مربوط نباشد»^۸ می‌دهد و به این ترتیب، دیوان عالی کشور در آرای خود مصادیق بطلان بالقوه را تعیین می‌نماید؛^۹ مثلاً شعبه جنایی می‌تواند تصمیم بگیرد که دعوت وکیل متهم یا مدعی خصوصی در آدرس قدیمی نامعتبر منجر به بطلان بازجویی متهم یا استماع مدعی خصوصی در غیاب وکیل می‌شود؛^{۱۰} چراکه مقررات راجع به دعوت وکیل، مقررات اساسی محسوب می‌شود. برعکس، عدم ذکر نام نماینده دادرسی

۱. در مواد ۱۳-۱۱۱، ۱۵-۱۱۱، ۱۱-۲۱۲ و ۷۵-۲۱۲ قانون دادرسی و جرایم نیروهای مسلح فرانسه نمونه‌های از بطلان منصوص دیده می‌شود: تدین، عباس، نگاه‌های به جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح ایران و فرانسه، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.

۲. Voir. les articles 59, 76, 95 et 96 c.pr.pen.

۳. Les nullites substantielles ou virtuelles.

۴. Art. 802. c.pr.pen.

۵. Art.171.c.pr.pen.

۶. Delmas-Marty, Mireille, *procédure pénales d'Europe*, 7ème édition, paris, Puf, 2019, p.225.

۷. Fourment, Francois, *procédure pénale*, 18ème édition, Editions paradigm, 2020, p.52.

۸. Crim., 27 nov.1828: Bull.crim.n° 311.

۹. Vergès, Étienne, *procédure pénale*, 7ème édition, paris, Lexis Nexis, Litec, 2020, 225.

۱۰. Cass.crim., 16 mai 1974 : Bull.crim.n° 181.

روی پیش‌نویس تصمیم دادگاه، نقض تشریفات اساسی دادرسی محسوب نمی‌شود.^۱

اما به‌طور کلی، شیوه‌هایی که نقض آنها به حقوق دفاعی اشخاص لطمه وارد آورد، از دیدگاه شعبه جنایی دیوان عالی کشور، منجر به بطلان ذاتی یا بالقوه می‌گشود. در واقع بطلان‌های قانونی و قضایی برای حمایت از منافع اشخاص پیش‌بینی شده‌اند (موضوعی که به صراحت در مواد ۱۷۱ و ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری اشاره شده است) و همان‌گونه که خواهیم دید نیاز به شکایت اصحاب دعوا دارند.

۱.۳. بطلان‌های ناظر به نظم عمومی^۲

هرچند در رویه قضایی قدیم فرانسه و آثار برخی از نویسندگان^۳ این دسته از بطلان‌ها، جزء بطلان‌های ذاتی یا قضایی قرار گرفته‌اند و در واقع بطلان‌های ذاتی به دو دسته بطلان‌هایی که به عدم رعایت اصول مربوط به نظم عمومی مربوط می‌شوند و بطلان‌هایی که به حقوق دفاعی لطمه وارد می‌آورند، تقسیم شده‌اند؛ اما برخی دیگر از حقوق‌دانان^۴ با تفکیک منافع خصوصی از منافع عمومی، با این اعتقاد که مجازات بطلان در پاره‌ای از موارد تابع نقض منافع خصوصی اشخاص نیست و بالتبع نیاز به شکایت آنها ندارد، بلکه به علت صدمه به منافع عمومی و «عالی‌سازمان قضایی» می‌تواند راساً مطرح شود،^۵ «بطلان‌های مربوط به نظم عمومی» را از سایر موارد جدا نموده‌اند. مصادیق بطلان‌های ناشی از لطمه به نظم عمومی را نیز رویه قضایی مشخص می‌کند و برهمین اساس نیز بطلان مربوط به نظم عمومی در مفهوم مضیق به معنای «نقض مقررات راجع به صلاحیت دادگاه‌ها، سازمان و ترکیب آنها، شیوه‌ها و مهلت‌های اعتراض» تعریف شده است.^۶ عدم صلاحیت محلی یا ذاتی بازپرس،^۷ فقدان تاریخ^۸ یا امضای سند توسط بازپرس^۹، عدم امضای دستور تعیین بازپرس، فقدان سوگند کارشناس، اتیان سوگند توسط محکوم، فقدان هر نوع بازجویی از متهم در جریان تحقیق و عدم اعلام تمدید مدت تحت نظر^{۱۰} همگی از مصادیق لطمه به نظم عمومی برآورد شده‌اند.

توجه به متن ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری که مقرر می‌دارد «عدم رعایت تشریفات اساسی پیش‌بینی شده توسط مقررات قانون حاضر یا دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری» موجب بطلان ادله تحصیلی یا فرایند دادرسی می‌گردد، این سؤال را در ذهن مطرح می‌کند که موارد بطلان خارج از قانون آیین دادرسی کیفری و مذکور در دیگر مقررات آیین دادرسی کیفری

1 . Cass.crim., 26 fev.1970: Bull. Crim.no 81.

2 . Les nullites d'ordre public.

3. Ibid,p.239;Guinchard, Serge et Jacques Buisson, *procédure pénale*, 14ème edition paris, Lexis Nexis Litec,2021,p.903.

4 . Fourment,Francois,op.cit,p.51;pradel,Jean.op.cit, p.720

۵ . البته این امر مانع از آن نیست که بازپرس، دادستان شهرستان و اصحاب دعوا از شعبه تحقیق تقاضای صدور بطلان دادرسی به علت لطمه به نظم عمومی را درخواست نمایند.

Art.170 et.173.C.pr.pen.et suiv.

Fourment,Francois,op.cit ,p.54

7 . Cass.crim., 11 avril 1959: Bull.crim.n° 213.

8 . Cass.crim., 24 avril 1971: Bull.crim.n° 115.

9 . Cass.crim., 13 nov.1968: Bull.crim.n° 294.

10 . Crim., 30 janv.2020: Bull.crim.n° 26.

کدام‌اند؟

رویه قضایی در پاسخ به این سؤال، موارد چندی را مطرح کرده است که مهم‌ترین آنها نقض اصل کلی مشروعیت تحصیل ادله است.^۱ عدم رعایت مقررات قانون گمرک درباره بازدیدهای خانگی^۲ یا عدم رعایت ضوابط مذکور در ماده ۵۰ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ درباره آزادی مطبوعات، در متن درخواست مقدماتی دادسرا^۳ را رویه قضایی از مصادیق موارد بطلان خارج از مقررات قانون آیین دادرسی کیفری دانسته است.

نکته دیگری که نباید فراموش کرد، این است که منبع بطلان ادله تحصیلی یا تحقیقات می‌تواند در نقض تضمینات پیش‌بینی شده در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر یافت شود. شعبه جنایی دیوان عالی کشور فرانسه تا حدودی با بطلان فرایند دادرسی به علت عدم رعایت تضمینات قراردادی مخالف است و اذعان می‌دارد که «عدم رعایت تضمینات کنوانسیون فقط حق توسل به دیوان اروپایی را ممکن می‌سازد و در مجموعه باعث بطلان تحقیقات نمی‌گردد».^۴

در آیین دادرسی کیفری ایران، درخصوص بطلان ادله تحصیلی یا بطلان تحقیقات و فرایند دادرسی مقررات واضح و روشنی وجود ندارد؛ ولی همان‌طور که گذشت، عدم رعایت برخی از قواعد و مقررات دادرسی می‌تواند از جهات درخواست تجدیدنظر از آرای مراجع کیفری قرار گیرد و رویه قضایی ایران نیز در پاره‌ای از آرای خود، عدم رعایت این تشریفات را نه به عنوان ابطال فرایند تحقیق و دادرسی، بلکه به عنوان دلیلی برای نقض و رسیدگی مجدد به آرای دادگاه‌های کیفری دانسته است.^۵ همچنین دکتین نقض مقررات دادرسی و تحصیل دلیل از طرق نامشروع را برخلاف حقوق بشر و مقررات قانون اساسی^۶ و فاقد ارزش و اعتبار قضایی^۷ دانسته است. اما در مجموعه قوانین، رویه‌های قضایی و دکتین حقوق ما درخصوص بطلان ادله و سلب اعتبار از دلیل رویکرد روشن و واضحی ندارد.

۲. گستره بطلان در فرایند دادرسی

در حقوق کشورهای مختلف تلاش می‌شود، قلمرو عدم اعتبار دلیل با دقت در شدت صدمه و وضعیت پرونده (معیار عینی) یا شرایط روحی و روانی پلیس یا مقام قضایی (معیار ذهنی) محدود شود؛ به گونه‌ای که با توجه به این معیارها، گاه صحبت از سلب اعتبار جزئی یا نسبی و یا سلب اعتبار مطلق از دلیل به میان می‌آید.^۸ در نظام‌های حقوقی با سیستم گسترش عدم اعتبار دلیل به ادله بعدی یا سیستم محدودیت اعتبار دلیل به خود دلیل مواجه هستیم، ولی در آیین دادرسی کیفری فرانسه از سیستم

۱ . Cass.crim., 27 fev.1996: Bull.crim.n° 93.

۲ . Crim., 2 Juin 2019 : Bull.crim. n° 185.

۳ . Crim., 19 mai 1999: Bull.crim. n° 205.

۴ . Fourment,Francois,*op.cit*,p.56.

۵ . رای شماره ۳۹/۱-۱۳۸۰/۱۱/۱۰ شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور و رای شماره ۱۴/۱۵۹-۱۴/۲۱-۱۳۸۰/۱۱/۲۱ شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور: طباطبائی، سید عبدالرضا، **گزیده‌ای از موارد تجدیدنظر فوق العاده**، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹، ص ۱۱۲.

۶ . آخوندی، محمود، **آیین دادرسی کیفری، اندیشه‌ها**، جلد ۴، چاپ پنجم، قم: انتشارات اشراق، ۱۳۹۵، ص ۱۲۳.

۷ . گلدوزیان، ایرج، **ادله اثبات دعوا**، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵، ص ۲۹۰.

۸ . همان منبع، ص ۲۹۱.

بینابینی مبنی بر آزادی ارزیابی قاضی درباره قلمرو اعتبار دلیل پیروی شده است. براین اساس، بند دوم ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد که «شعبه تحقیق تصمیم می‌گیرد آیا بطلان باید به تمام یا قسمتی از اعمال یا اسناد دادرسی باطل شده محدود شود یا به تمام یا قسمتی از دادرسی بعدی نیز گسترش یابد»^۱. منظور از اعمال دادرسی، «کلیه اعمالی است که در راستای جستجوی ادله توسط بازپرس یا در جریان تحقیقات توسط پلیس انجام شده است»^۲.

بنابراین در مورد قلمرو بطلان اعمال دادرسی، شعبه تحقیق تصمیم‌گیری می‌کند. شعبه جنایی دیوان عالی کشور در این خصوص، براین عقیده است که فقط در صورتی باید اعمال دادرسی باطل شود که «این اعمال، ریشه و بقای خود را بر مبنای اعمال باطل شده قرار داده باشند»^۳؛ مثلاً هنگامی که بازجویی باطل می‌شود، این بطلان باید به صورت جلسه استماع شاهی که در مورد اسناد توقیف شده در جریان بازجویی استماع شده است گسترش یابد؛^۴ ولی برعکس بطلان تحت نظر به بطلان تحت بررسی و استقرار تحت بازداشت تسری نمی‌یابد؛ «به مجرد اینکه این دو تدبیر اخیر، توجیه مشروعیت خود را در عناصر تحصیل شده پیش از تحت نظر پیدا کنند»^۵.

پس تحصیل دلیل با عدول از قواعد دادرسی منجر به رد و بطلان دلیل می‌گردد که این بطلان نیز می‌تواند موجب ابطال تمام یا قسمتی از اقدامات بعدی دادرسی شود. براساس ماده ۱۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری «در کلیه موضوعات، شعبه تحقیق می‌تواند در جریان تحقیقات، به منظور اعلام بطلان اعمال یا اسناد در فرایند دادرسی، توسط بازپرس، دادستان شهرستان، اصحاب دعوا یا شاهد همراه با مشاور^۶ مورد درخواست قرار گیرد»^۷. موضوع درخواست بطلان از شعبه تحقیق می‌تواند شامل تقاضای بطلان برخی از اعمال مانند تحقیقات و بازجویی یا برخی از اسناد مانند نیابت قضایی یا صورت جلسات باشد ولی «درخواست بطلان نمی‌تواند در مورد تصمیمات قضایی قابل تجدیدنظرخواهی و اعتراض مطرح شود»^۸. تصمیمات صادره در موضوع بازداشت موقت یا نظارت قضایی نیز این گونه‌اند؛^۹ زیرا از چنین اعمالی می‌توان در مراجع بالاتر تجدیدنظرخواهی نمود. هرچند مرجع درخواست بطلان، شعبه تحقیق است، دیوان عالی کشور نیز در بسیاری از آرای خود کوشیده است قلمرو بطلان را محدود و تعیین کند. به عنوان مثال، از دیدگاه شعب جنایی دیوان «بطلان یک جزء از صورت جلسه منجر به بطلان کامل تحقیقات نمی‌شود و ایرادی که ناشی از کشفیات غیرقانونی است به کشفیات قانونی سرایت

۱. بند دوم ماده ۲۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز بر این سیستم بینابین تأکید می‌نماید.

۲. Cass.crim., 30 juin 1987: Bull.crim.n° 276.

۳. Cass.crim., 23 juin 1999: Bull.crim. n° 149.

۴. Cass.crim., 4 juin 1997: Bull.crim.n° 221.

۵. Cass.crim., 26 mai 1999: Bull.crim.n° 106.

۶. شاهد همراه با مشاور (le témoin assiste) که مقررات مربوط به آن در مواد ۱-۱۱۳ و بعد از آن، قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است، براساس قانون ۲۴ اوت ۱۹۹۳ به وجود آمده است. این شخص در معیت یک وکیل دارای وضعیتی ما بین متهم (شخص تحت بررسی) و شاهد است و بدون اینکه تحت بررسی و اتهام قرار گیرد از برخی حقوق شناخته شده برای اشخاص متهم بهره‌مند می‌گردد.

۷. Art.170 c.pr.pen.

۸. Cass.crim., 30 juin 2022: Bull.crim.n° 276.

۹. Art.173 al.4 c.pr.pen.

نمی‌کند»^۱ و «بطلان بازرسی و توقیف بدون دستور بر روی اعتبار تعقیب بی‌اثر است و برای قاضی منعی در توجه به کلیه عناصر دلیل مستقل از اعمال غیرقانونی بویژه اقرار پیشین متهم که بدون اجبار تحصیل شده است، ایجاد نمی‌نماید»^۲. هرچند قانون‌گذار و رویه قضایی بر رعایت تشریفات و مقررات مذکور در قانون آیین دادرسی کیفری تأکید می‌کنند و مجازات عدم رعایت آنها را بطلان ادله تحصیلی و حتی فرایند تحقیق و دادرسی دانسته‌اند، در عین حال، در برخی شرایط محدود، به اصحاب دعوا اجازه اعتبار بخشی به فرایند دادرسی را داده‌اند. این شیوه فقط در مورد بطلان‌های بالقوه یا ذاتی امکان‌پذیر است.^۳ اصحاب دعوا که مدعی نقض تشریفات اساسی‌اند، به استناد ماده ۱۷۲ قانون آیین دادرسی کیفری می‌توانند از این تشریفات چشم‌پوشی کنند و به دادرسی جنبه قانونی بخشند. این انصراف باید صریح بوده و در حضور و کیل پذیرفته شود.^۴

از اعمال و اسناد باطل شده دیگر نمی‌توان علیه اصحاب دعوا استفاده کرد و «استخراج هرگونه اطلاعات علیه اصحاب دعوا از اعمال و اسناد یا قسمتی از اعمال یا اسناد باطل شده ممنوع است و مجازات اقدام به این عمل، تعقیب انتظامی و کلا و قضات است»^۵.

با مذاقه در قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری ایران مشخص می‌شود قانون‌گذار در مورد ادله اثبات در امور کیفری مانند اقرار و شهادت شرایطی را در نظر گرفته است که عدم رعایت این شرایط باعث سلب اعتبار و مشروعیت دلیل می‌گردد؛ مثلاً اختیار و قصد در زمره شرایط اقرار و شهادت است^۶ و قانون‌گذار اجبار و اکراه اشخاص به ادای شهادت و اقرار و حتی اتیان سوگند را باعث سلب ارزش و اعتبار و قابلیت استناد این ادله دانسته است^۷ و تردیدی باقی نمی‌ماند که ملازمه عقلی و منطقی بطلان چنین ادله‌ای ایجاب می‌کند فرایند دادرسی یا تحقیقاتی که بر مبنای ادله باطل شده استوار شده‌اند یا به گفته دیوان عالی کشور فرانسه «ریشه و بقای خود را بر مبنای اعمال باطل شده قرار داده‌اند» نیز باطل و متوقف شوند و اعمال یا اسناد باطل شده از فرایند دادرسی خارج و هرگونه استخراج اطلاعات از آنها، علیه متهم ممنوع شود^۸. اما متأسفانه در رویه قضایی ایران ملاحظه می‌شود که گاه این‌گونه از ادله باطل یا فاقد شرایط و اوصاف قانونی به‌عنوان «قرینه و اماره» در نظر

1 . Cass.crim., 11 fevr.2011: Bull.crim.n° 97.

2 . Cass.Crim., 27 dec 1995 et 11 juin2012.

3 . Cass.Crim., 27 dec 1995 et 11 juin2012.

4 . Vergès, Étienne, *op. cit.*, p.245.

5 . Art.174 al.3 *c.pr.pen.*

۶ . رک: مواد ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۶۹، و ۱۷۷ قانون مجازات اسلامی.

۷ . رک: اصل ۳۸ قانون اساسی.

۸ . در روایات معصومین (ع) به این امر تصریح شده است و اقرار با شکنجه و تهدید را معتبر نمی‌دانند و اصلاً چنین اقراری را اقرار نمی‌دانند و حدود را بنابر چنین اقراری جاری نمی‌کنند: جمعی از نویسندگان، *ادله اثبات دعاوی کیفری*، چاپ سوم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۵، ص.۱۰۷.

گرفته می‌شود و حتی گاه یکی از طرق دستیابی قضات به علم و اقتناع وجدانی قرار می‌گیرند^۱؛ درحالی که «مستندات علم قاضی باید معتبر و غیرمخدوش باشد»^۲ و «با موازین معتبر شرعی و قانونی» انطباق داشته باشد^۳، پذیرفتن ادله‌ای که اعتبار قانونی دلیل را ندارد، «تحت عنوان قرینه، گرچه برای قضاوت و اجرای عدالت، لازم و مفید تشخیص داده شود، موجب می‌گردد که در تحصیل دلیل توسل به طرق نامشروع و غیرصادقانه تعمیم یابد و در نتیجه به حقوق فردی صدمه و لطمه بزند»^۴. به‌هرحال در رویه قضایی ایران، رویکرد صریح و روشنی در این خصوص دیده نمی‌شود و تا حدودی با تشتت آرا مواجه هستیم و لازمه ایجاد یک خط‌مشی صحیح و واحد در مورد قلمرو بطلان و حدود اعتبار ادله مخدوش، تدوین قانون در این زمینه است. آنچه بیش از همه باید به آن توجه کرد، احترام و رعایت قاعده قانونی بودن دادرسی و اقتضائات آن است. اصل مشروعیت تحصیل ادله به‌عنوان زیرمجموعه این اصل یا حتی هم‌ردیف آن، اقتضا دارد که هم دلیل و هم شیوه تحصیل آن منطبق با قانون و رویه قضایی باشد و عدول از این اصل با ضمانت‌اجرای بی‌اعتباری ادله و بطلان دادرسی پاسخ داده شود. ادله نامشروع نمی‌تواند مبنای تصمیم‌گیری قرار گیرد و هر دلیلی که مستند صدور رأی قرار می‌گیرد باید از نظر شکل و ماهیت مشروع و قانونی باشد.

۳. آیین بطلان

عدم رعایت تشریفات قانونی یا اساسی به‌تنهایی برای ابطال اعمال یا اسناد دادرسی کافی نیست، بلکه بنابر اصلی که قانون‌گذار^۵ و رویه قضایی^۶ بر آن تأکید دارند، یعنی اصل «بدون اعتراض، بطلان وجود ندارد»^۷، نقض تشریفات و مقررات قانونی باید موضوع درخواست و شکایت ذی‌نفع قرار گیرد. از آنچه گفته شد دو نکته استنباط می‌شود: نخست اینکه فقط اصحاب دعوی که تشریفات راجع به آنهاست و به اصطلاح ذی‌نفع محسوب می‌شوند، حق درخواست بطلان ادله تحصیلی و دادرسی را دارند. مواد ۱۷۱ و ۸۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه «لطمه به منافع اصحاب دعوی که تشریفات راجع به آنهاست» را موجب بطلان دانسته و رویه قضایی نیز در آرای خود بر ذی‌نفع بودن مدعی بطلان تأکید کرده است^۸ و مقرر می‌دارد: «بطلان اعمال دادرسی نمی‌تواند صادر شود، مگر هنگامی که عدم رعایت قانون به منافع مدعی لطمه وارد آورد»^۹. ماده ۱۷۰ این قانون اشخاصی را که می‌توانند درخواست بطلان اعمال یا اسناد در فرایند دادرسی را مطرح کنند، اعم از بازپرس،

۱. در دادنامه شماره ۹۴۲-۱۳۸۶/۷/۳۰-شعبه ۱۰۲۷ دادگاه عمومی (کیفری) تهران آمده است که هرچند شهادت فاقد شرایط قانونی بوده و حتی شاهد از آن عدول نموده است، از آنجا که به ذکر جزئیات پرداخته است، این شهادت در کنار سایر قرائن و امارات مؤید مجرمیت متهم است.

۲. رأی اصراری کیفری شماره ۲۰ مورخه ۱۳۸۰/۱۰/۲۵:رسولی، عبدالرحمن، **نمونه آراء محاکم دادگستری ایران (گزیده آراء محاکم بدوی و تجدیدنظر)**، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات فردوسی، مجموعه دوم، ۱۳۹۸، ص ۱۵۳.

۳. رأی اصراری کیفری شماره ۱۰ مورخه ۱۳۸۱/۷/۲۳: همان منبع، ص ۱۵۴.

۴. گلدوزیان، ایرج، منبع پیشین، ص ۲۱۳.

5. Art.173 c.pr.pen.

6. Cass.crim., 3 janv.2020: Bull.crim. n° 2.

7. Pas de nullite sans grief.

8. Crim., 14 dec.1999: Bull.crim.n° 304.

9. Cass.crim.,18 mars 1976, Bull.crim.n° 101.

دادستان، اصحاب دعوا یا شاهد همراه با مشاور دانسته است. مقامات قضایی فقط می‌توانند رأساً در مورد بطلان‌های مربوط به نظم عمومی دخالت کنند.^۱

دوم اینکه، بدون اعتراض و شکایت اشخاص ذی‌نفع، امکان بطلان اعمال یا اسناد دادرسی وجود ندارد. رویه قضایی با تفکیک بطلان‌های مربوط به نظم عمومی از بطلان‌های مربوط به منافع خصوصی، فقط درخواست بطلان اعمال یا اسناد لطمه‌زننده به منافع خصوصی اشخاص را بدون شکایت آنها قابل بررسی و دستور به بطلان ندانسته است؛^۲ مثلاً دیوان عالی کشور گزارش شفاهی را که باید توسط یکی از مستشاران شعبه تحقیق ارائه شود، یکی از تشریفات مربوط به دادگاه دانسته و عدم رعایت آن را لطمه به منافع خصوصی اشخاص ندانسته و لذا تصمیم‌گیری در مورد بطلان فرایند دادرسی را برعهده مقامات قضایی نهاده^۳ و در یکی دیگر از آرای خود به‌صراحت ذکر کرده است که در «مسائل صلاحیت در موضوعات کیفری و نظم عمومی» نیاز به شکایت اصحاب دعوا وجود ندارد.^۴ حتی رویه قضایی به مراجع کیفری اجازه داده است تا هنگامی که عدم رعایت قواعد دادرسی به کشف و جست‌وجوی حقیقت لطمه وارد می‌آورد، حتی بدون شکایت اصحاب ذی‌نفع دعوا، اعتراض و اقدام کنند؛ به عنوان نمونه، دادگاه تجدیدنظر «دویه»^۵، اقرارهای تحت نظر را که به‌صورت غیرقانونی تحصیل شده است، به‌علت لطمه به تحصیل حقیقت، باطل اعلام کرده است؛ زیرا «به شخص متهم، تحت نظر قرار گرفتن او، ابلاغ نشده و شخص بدون دلیل، دور از محل سکونت خود، ساعت‌ها بازجویی شده است، بدون اینکه ساعت‌های بازجویی و استراحت در صورت‌جلسه ذکر شود و یک‌چنین مجموعه غیرقانونی می‌تواند باعث اقدام به اعتراف و خدشه به جست‌وجوی حقیقت گردد».^۶ رأی ۲۷ فوریه ۱۹۹۶ دیوان عالی کشور، توسل به مکر و حيله را باعث تخدیش حقیقت و لطمه به اصل مشروعیت تحصیل دلیل دانسته است و در نتیجه مجموعه فرایند دادرسی را که ناشی از خدعه و فریب بوده است، باطل اعلام^۷ و حتی به بطلان دادرسی‌های فرعی^۸ نیز اقدام کرده است.

رویه قضایی نقض حقوق دفاعی اشخاص را از مصادیق بارز لطمه به منافع خصوصی اشخاص دانسته و به‌عنوان مثال، به بطلان گزارش کارشناس که در مهلت مقرر قانونی آن را ارائه نکرده است، به‌علت لطمه به حقوق دفاعی اشخاص رأی داده^۹ و «هرگونه تأخیر ناموجه در تفهیم حقوق» را ضرورتاً لطمه به منافع اشخاص مربوط برآورد کرده است.^{۱۰}

در مورد شنوهای تلفنی نیز شعبه جنایی فقدان شکایت شخصی از سوی خواهان را مانع صدور حکم بطلان دانسته است؛

-
- 1 . Fourment, Francois, *op. cit.*, p.54.
 - 2 . Vergès, Étienne, *op. cit.*, p.231.
 - 3 . Cass.crim., 27 oct.1997: Bull.crim.n° 351.
 - 4 . Cass.crim., 5 août 1982: Bull.crim.n° 205.
 - 5 . Douai
 - 6 . *Ibid.*, p.240.
 - 7 . Cass.crim., 27 fev 1996, JCP1996, II, 2262.
 - 8 . Cass.crim., 19 janv.1999: Bull.crim.n° 9.
 - 9 . Cass.crim., 16 oct.1979: Bull.crim.n° 28.
 - 10 . Cass.crim., 30 avril 1996: Bull.crim.n° 182.

درحالی که دیوان اروپایی حقوق بشر با این دیدگاه چندان موافق نیست^۱.

براساس ماده ۱-۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری، شخص تحت بررسی باید درخواست بطلان اعمال تحقیقاتی و دادرسی پیشین یا مربوط به بازجویی خود در اولین حضور را ظرف مدت شش ماه از تاریخ شروع تحت بررسی مطرح کند؛ مگر در حالتی که او به علت بطلان آگاهی نداشته باشد. این قاعده در بازجویی‌های بعدی نیز اجرا می‌شود. مدعی خصوصی و شاهد همراه با مشاور نیز باید درخواست بطلان دادرسی را ظرف مدت شش ماه از اولین استماع یا استماع‌های بعدی مطرح کنند. بنابراین قانون‌گذار برای اقامه دعوی بطلان یک مهلت قانونی شش ماهه را در نظر گرفته است و هدف از این محدودیت زمانی، اجتناب از این موضوع است که طرف دعوایی مطلع از وجود نقص دادرسی تا پایان رسیدگی منتظر نماند تا به هدف تأخیر در دادرسی، در آخرین لحظات درخواست بطلان را مطرح و فرایند دادرسی را به طور کامل ابطال کند. اصحاب دعوا باید در طرح درخواست بطلان خود سرعت عمل داشته باشند و از هرگونه اقدامی که منجر به اطلاع دادرسی می‌شود خودداری کنند.

در پایان تحقیقات نیز اصحاب دعوا یک مهلت بیست‌روزه از تاریخ اعلام ختم تحقیقات برای طرح درخواست بطلان در اختیار دارند و پس از پایان این مدت، هیچ‌گونه درخواستی قابل‌پذیرش نیست.^۲

قابلیت پذیرش درخواست توسط رئیس شعبه تحقیق بررسی و در صورت موجه بودن درخواست، پرونده برای دادستان استان ارسال می‌شود.^۳ دادستان استان پس از دریافت پرونده در مهلت قانونی، پرونده را بررسی و سپس با توضیحات و نظر خود، آن را مجدداً برای شعبه تحقیق ارسال می‌کند. شعبه تحقیق ظرف مدت دو ماه از وصول پرونده، درخصوص درخواست بطلان یا عدم آن، اعلام نظر می‌کند^۴ و تصمیم می‌گیرد که آیا بطلان به تمام یا قسمتی از اعمال یا اسناد دادرسی باطل شده، محدود گردد یا به تمام یا قسمتی از دادرسی‌های بعدی نیز تسری یابد.^۵

اما تردیدی باقی نمی‌ماند که ابطال اسناد یا اعمال تحقیقاتی و دادرسی مانع از مجازات مرتکبین اعمال نامشروع در تحصیل ادله که اقدامات و عملکرد آنها به منافع اشخاص و گاه اجتماع لطمه وارد آورده و در نهایت منجر به ابطال ادله یا دادرسی گردیده است، نیست.

۴. مجازات اعمال ابطال‌کننده دلیل

هنگامی که عدم رعایت قواعد دادرسی و به‌ویژه توسل به اعمال نامشروع در تحصیل دلیل، عنصر تشکیل‌دهنده جرم معینی را محقق سازد، ممکن است با «ضمانت‌اجرای کیفری» نیز مواجه شود. در تحصیل دلیل باید تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص رعایت شود. ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هریک از مستخدمین و مأموران قضایی یا غیرقضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند، او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به

1 . C.E.D.H., 24 août 1998, *Lambert C/ france*.

2 . Art.175 *C.pr.pen*.

3 . Art.173 *C.pr.pen*.

4 . Art.194 *C.pr.pen*.

5 . Art.174 *C.pr.pen*.

حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت». در مورد سایر اشخاص نیز، قانون‌گذار آنها را ملزم به احترام به تمامیت جسمانی^۱ و معنوی^۲ افراد اجتماع و لطمه به تمامیت اشخاص را مقید به ضمانت‌اجرای کیفری کرده است. در حقوق کیفری فرانسه نیز تعرضات علیه تمامیت جسمانی و روانی اشخاص، تحت عناوین شکنجه، رفتارهای وحشیانه، خشونت و تهدید در مواد ۱-۲۲۲ تا ۲-۱۸-۲۲۲ قانون جزا با ضمانت‌اجراهای کیفری حبس و جزای نقدی مواجه شده است. در تحصیل دلیل همچنین باید حرمت زندگی خصوصی اشخاص رعایت شود. به همین علت، قانون‌گذار در ماده ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی، به منظور احترام به حریم منزل و مسکن اشخاص، مستخدمان و مأموران قضایی یا غیرقضایی را از ورود بدون اجازه به منزل دیگری یا عدم رعایت ترتیبات قانونی منع کرده و برای ارتکاب این اعمال، مجازات حبس در نظر گرفته است. ماده ۸-۴۳۲ قانون جزای فرانسه نیز تعرض به حرمت مسکن اشخاص توسط مقامات عمومی را مستوجب دو سال حبس و سیصد هزار یورو جزای نقدی دانسته است.

قانون‌گذاران ایران^۳ و فرانسه^۴ همچنین اشخاص عادی را از تعرض به منزل و مسکن دیگران منع و برای آن مجازات تعیین کرده‌اند. حریم مراسلات و ارتباطات مکتوب و تلفنی اشخاص نیز توسط قانون‌گذار مورد حمایت قرار گرفته است و مقامات دولتی و اشخاص عادی در حقوق ایران^۵ و فرانسه^۶ به احترام به این حریم در تحصیل ادله ملزم‌اند و نقض این حریم دارای ضمانت‌اجرای کیفری دانسته شده است. علاوه بر آنچه گذشت، اصل مشروعیت تحصیل دلیل از اصحاب حرّف و مشاغلی که به مناسبت شغل و وظیفه امین محسوب می‌شوند، حفظ اسرار و رازداری را طلب می‌کند و هرگونه افشای اسرار اشخاص را بدون مجوز قانونی، قابل مجازات کیفری می‌داند.^۷

علاوه بر ضمانت‌اجراهای کیفری مقرر برای تحصیل دلیل با نقض قواعد دادرسی، قانون‌گذار در پاره‌ای از موارد برای مقامات قضایی و پلیسی و دست‌اندرکاران عدالت کیفری، «ضمانت‌اجراهای انضباطی» در نظر گرفته است. از این ضمانت‌اجراها تحت عنوان مجازات انتظامی یا انضباطی (اداری) در قانون نام برده شده است. قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۲۷ تخلفات انتظامی قضات و مجازات‌های انضباطی آنها را تعیین کرده است. ارتکاب اعمالی که برخلاف حیثیت و شرافت امر قضا و نقض سوگند قضایی دادرسان محسوب شود، دارای ضمانت‌اجرای انتظامی انفصال موقت یا دائم از خدمت قضایی است و بی‌تردید توسل به مکر و حيله در تحصیل دلیل برخلاف اعتبار و شأن مقام قضا و انشای رأی بر این اساس

۱. ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی.

۲. ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی.

۳. ماده ۶۹۴ قانون مجازات اسلامی.

4. Art.226-1 C.pen.

۵. مواد ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی و ماده ۱۵ قانون تشکیل شرکت پست.

6. Art.432-9 et 226-16 C.pen.

۷. ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی و مواد ۱۳-۲۲۶ و ۱۴-۲۲۶ قانون جزای فرانسه.

مخالف شرافت و وجدان قضایی است. در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح علاوه بر مجازات‌های کیفری، قانون‌گذار تخلفات انضباطی افراد نظامی را نیز مورد توجه قرار داده و در این مورد مجازات‌های انتظامی یا انضباطی مقرر داشته است.^۱ این اشخاص جرائمی را که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند، در محاکم عمومی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.^۲ براساس بند شماره ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، یکی از وظایف نیروهای انتظامی، انجام دادن وظایفی است که برطبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده آنها گذارده شده است. کشف جرم، بازرسی و تحقیق و حفظ آثار و ادله جرم در زمره این وظایف قرار می‌گیرد. بنابراین هرگاه نیروهای پلیس در مقام ضابط دادگستری به منظور تحصیل و جمع‌آوری ادله مرتکب اعمالی شوند که جرم محسوب شود یا تخلف انضباطی و انتظامی به حساب آید، قابل مجازات کیفری و انضباطی هستند. وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری نیز ملزم به حفظ اسرار و اطلاعات اصحاب دعوا می‌باشند و هرگونه اقدامی که منجر به افشای اطلاعات موکلین و یا اصحاب دعوا شود، دارای ضمانت‌اجرای انتظامی و انضباطی است.^۳

در حقوق کیفری فرانسه نیز «هرگونه خطای قاضی در جریان انجام وظایف شغلی نسبت به حیثیت، نزاکت یا منزلت» امر قضا و تخلف انضباطی محسوب شده^۴ و بر پایه این سوگند قضایی که «همواره به عنوان یک قاضی شریف و درستکار رفتار نماید»، فقدان صداقت و عدم رعایت مشروعیت در تحصیل دلیل از مصادیق بارز تخلف انتظامی و قابل مجازات دانسته شده است.^۵ مأموران پلیس قضایی علاوه بر مجازات‌های کیفری، در صورت انجام اعمالی که برخلاف قوانین و مقررات باشد، با ضمانت‌اجراهای انضباطی مواجه می‌شوند. براساس ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، پلیس قضایی، کشف جرایم مذکور در قانون جزا، جمع‌آوری ادله و جست‌وجوی مرتکبین جرایم را برعهده دارد و شعبه تحقیق نیز بر فعالیت آنها نظارت می‌کند^۶ و در صورت ارتکاب جرم یا تخلف انضباطی «بدون خدشه به ضمانت‌اجراهای انتظامی که می‌توانند توسط مقامات عالی‌رتبه به افسران و مأموران پلیس قضایی تحمیل شوند»، شعبه تحقیق می‌تواند آنها را به‌طور موقت یا دائم از فعالیت در حوزه دادگاه تجدیدنظر یا در کلیه سرزمین فرانسه منع نماید.^۷ براساس قواعد کلی پذیرفته‌شده در حقوق ایران و فرانسه و به‌ویژه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۹ قانون آیین دادرسی کیفری ایران و همچنین ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه و مواد ۲-۱۴۱ و ۳-۱۴۱ قانون سازمان قضایی، هرگاه از عملکرد مسئولین اجرای عدالت در تحصیل ادله به اصحاب دعوا ضرر و زیان مادی یا معنوی وارد آید، با احراز شرایط قانونی، آنها دارای «مسئولیت مدنی» و ملزم به جبران خسارت اشخاص هستند. بدیهی است عمومیت دادن امر و قبول مسئولیت مدنی در هر مورد موجب اختلال در اقدامات مأموران تحقیق

۱. ماده ۱۳۶ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح.

۲. تبصره ۲ ماده ۱ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۲/۲۲.

۳. ماده ۳۰ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ و تبصره ۱ ماده ۲۶ قانون کانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱/۱/۱۸.

۴. گلدوزیان، ایرج، منبع پیشین، ص ۲۹۴.

5. Art.174 C.pr.pen.

6. Art.224 C.pr.pen.

7. Cass.crim., 31 mai 1994: Bull.crim.n°174.

خواهد شد و از این نظر مقتضی است دامنه شمول این مسئولیت محدود شود.^۱

نتیجه گیری

شأن و منزلت دستگاه قضایی و احترام به عدالت و حقوق انسانی مستلزم رعایت اصول و قواعد دادرسی است. قانون گذار نیز در این راستا تلاش کرده است با طرح نظریه بطلان و تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری و انضباطی، رعایت قواعد دادرسی را تضمین نماید. در حقوق کیفری فرانسه قانون گذار نه فقط فصل خاصی از قانون آیین دادرسی کیفری را به بطلان تحقیقات و ادله اختصاص داده، بلکه در خلال مواد قانونی نیز این ضمانت‌اجرا یعنی بطلان ادله را یادآور شده است. رویه قضایی و دکتترین نیز قلمرو بطلان ادله، آثار و آیین دادرسی حاکم بر آن را تعیین و تفسیر کرده‌اند. برخلاف حقوق فرانسه، در حقوق کیفری ایران به این موضوع توجه نشده است و فقط در پاره‌ای از مواد قانونی درباره سلب ارزش و اعتبار از ادله‌ای که اصل مشروعیت تحصیل دلیل را نادیده گرفته باشند، مقررات پراکنده‌ای به چشم می‌خورد.

آنچه می‌توان از وضعیت کنونی حقوق ایران استنباط نکرد، این است که ادله اثبات در امور کیفری شرایطی دارند که عدم رعایت این شرایط باعث سلب ارزش و اعتبار و عدم قابلیت استناد به آنها می‌گردد و رعایت اصل قانونی بودن دادرسی و اقتضائات آن و ملازمه عقلی و منطقی بطلان ادله نامشروع این است که فرایند دادرسی یا تحقیقاتی که بر مبنای ادله باطل شده استوار گردیده‌اند نیز باطل و متوقف شود و اعمال یا اسناد باطل شده از فرایند دادرسی خارج و هرگونه استخراج اطلاعات از آنها علیه متهم ممنوع شود. رویه قضایی ایران پیشگام‌تر از قانون گذار در این خصوص گام برداشته و با توسل به مفاهیم حقوقی چون «ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه» یا «ادعای مخالف بودن رأی با قانون» و تفسیر آنها در چارچوب عدم رعایت اصل مشروعیت تحصیل ادله بر قابلیت بازبینی آرای قضایی صحه گذارده است. به‌هرحال، برای تضمین اجرای صحیح قواعد و اصول دادرسی و جلوگیری از تشتت آرای قضایی، تعریف و تبیین سیستم بطلان ادله در آیین دادرسی کیفری ایران و چارچوب آن ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه در نظام دادرسی کیفری فرانسه از نظریه بطلان ادله و تحقیقات به‌عنوان یک ضمانت‌اجرای مهم دادرسی به منظور تضمین صحت جریان دادرسی و حفظ حقوق متهم استفاده شده است تا با سرعت و جدیت اصل قانونی بودن دادرسی و مشروعیت تحصیل ادله تأمین و تضمین گردد و مجازات اقدامات خلاف قانون صرفاً محدود به پاسخگویی به مرتکبین این رفتارها در قالب تخلف‌انگاری اعمال یا جرم‌انگاری آنها نباشد، پیشنهاد می‌شود قانون گذار ایران نیز فقط به ضمانت‌اجراهای انتظامی بسنده نکند و در چارچوب رعایت حقوق اصحاب دعوا، به‌ویژه متهمان و تضمین یک دادرسی منصفانه، اعمال ناقض حقوق اشخاص در فرایند دادرسی یا اقدامات غیرقانونی در تحصیل ادله را با ضمانت‌اجراهای مناسب دادرسی مانند بطلان ادله یا تمام یا بخشی از تحقیقات پاسخ دهد؛ ضمانت‌اجرای که در قانون اساسی (اصل ۳۸) نیز دیده می‌شود و تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری هم به آن توجه گذارایی داشته‌اند.

۱. همان منبع، ص ۲۹۵.

ماده ۳۰ق.آ.د.ک و...) در نسخهٔ پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری نیز به‌صراحت در تبصره ۱ ماده ۱۹۰ سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق با این ضمانت‌اجرا همراه شده بود. این‌گونه ضمانت‌اجراها با تصریح ذیل ماده‌ای مانند ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری می‌تواند تضمین‌کنندهٔ اصل قانونی بودن دادرسی مذکور در ماده ۲ به مفهوم واقعی و عملی باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. آخوندی، محمود، *آیین دادرسی کیفری، اندیشه‌ها*، جلد ۴، چاپ پنجم، قم: انتشارات اشراق، ۱۳۹۵.
۲. تدین، عباس، *نگاهی به جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح ایران و فرانسه*، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۵.
۳. جمعی از نویسندگان، *ادله اثبات دعاوی کیفری*، چاپ سوم، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۵.
۴. رسولی، عبدالرحمن، *نمونه آراء محاکم دادگستری ایران (گزیده آراء محاکم بدوی و تجدیدنظر)*، چاپ پنجم، مشهد: انتشارات فردوسی، مجموعه دوم، ۱۳۹۸.
۵. طباطبائی، سید عبدالرضا، *گزیده‌ای از موارد تجدیدنظر فوق العاده*، تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹.
۶. گلدوزیان، ایرج، *ادله اثبات دعوا*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۵.

مقاله

۷. تدین، عباس و زینب باقری نژاد، «هستی‌شناسی اصول بنیادین دادرسی کیفری»، *فصلنامه پژوهش کیفری*، دوره ۹، شماره ۳۳، ۱۳۹۹.

ب) منابع فرانسوی

Books

8. Delmas-Marty, Mireille, *procédure pénales d'Europe*, 7ème édition, Paris, Puf, 2019.
9. Fourment, Francois, *procédure pénale*, 18ème édition, Editions Paradigm, 2020.

10. Guinchard, Serge et Jacques Buisson, *procédure pénale*, 14ème édition paris, Lexis Nexis Litec, 2021.
11. Pradel, Jean, *Manuel de procédure pénale*, 22ème édition, paris, Cujas, 2019.
12. Vergès, Étienne, *procédure pénale*, 7ème édition, paris, Lexis Nexis, Litec, 2020.

ج آرای قضایی

1. Crim., 27 nov. 1828: Bull. crim. no 311.
2. Cass. crim., 16 mai 1974 : Bull. crim. no 181.
3. Cass. crim., 26 fev. 1970: Bull. Crim. no 81.
4. Cass. crim., 11 avril 1959: Bull. crim. no 213.
5. Cass. crim., 24 avril 1971: Bull. crim. no 115.
6. Cass. crim., 13 nov. 1968: Bull. crim. no 294.
7. Crim., 30 janv. 2020: Bull. crim. no 26.
8. Cass. crim., 27 fev. 1996: Bull. crim. no 93.
9. Crim., 2 Juin 2019 : Bull. crim. no 185.
10. Crim., 19 mai 1999: Bull. crim. no 205.
11. Cass. crim., 30 juin 1987: Bull. crim. n° 276.
12. Cass. crim., 23 juin 1999: Bull. crim. n° 149.
13. Cass. crim., 4 juin 1997: Bull. crim. n° 221.
14. Cass. crim., 26 mai 1999: Bull. crim. n° 106.
15. Cass. crim., 11 fevr. 2011: Bull. crim. n° 97.
16. Cass. Crim., 27 dec 1995 et 11 juin 2012.
17. Cass. Crim., 27 dec 1995 et 11 juin 2012.
18. Cass. crim., 3 janv. 2020: Bull. crim. n° 2.
19. Cass. crim., 27 fev 1996, JCP 1996, II, 2262.
20. Cass. crim., 19 janv. 1999: Bull. crim. n° 9.
21. Cass. crim., 16 oct. 1979: Bull. crim. n° 28.
22. Cass. crim., 30 avril 1996: Bull. crim. n° 182.

English Refrence

Books

1. Delmas-Marty, Mireille, *European criminal procedures*, 7th edition, Paris, Puf, 2019.
2. Fourment, Francois, *criminal procedure*, 18th edition, Editions paradigm, 2020.
3. Guinchard, Serge and Jacques Buisson, *criminal procedure*, 14th edition Paris, Lexis Nexis Litec, 2021.
4. Pradel, Jean, *Manual of criminal procedure*, 22nd edition, Paris, Cujas, 2019.
5. Vergès, Étienne, *criminal procedure*, 7th edition, paris, Lexis Nexis, Litec, 2020.

Persian Refrence

Books

1. Akhondi, Mahmood, *Ayyen Dadrased Kifari, Andishehha*, Jelde 4, Chape 5, Ghom, Eshragh, 1395.

2. Tadayyon, Abbas, *Neghahi be jarayem va mojazat haye nirohaye mosallah iran va france*, chap 1, Tehran, Khorsandi, 1395.

3. Jame az nevisandeghan, *Adelehe Esbate Davaye Kifari*, Chap 3, Mashhad, Olome eslami Razavi, 1395.

4. Rasoli, Abdolrahman, *Nemoneh araye mahakeme dadghostare iran*, Chap 5, Mashhad, Ferdosi, 1398.

5. Tabatabayye, Seed Abdolreza, *Ghozidehe tajdidenazr*, Tehran, iran, 1395.

6. Gholdozian, Iraj, *Adelehe esbate dava*, Chap 2, Tehran, Mizan, 1395.

Article

7. Tadayyon, Abbas & Zeinab Bagherinejad, *Haste shenasi osol*, Pajoheshe kifari, Shomareh 33, 1399.